

محبوب مکرم معظم حضرت شیخ جمال الدین علیہ بہاء اللہ و عنایتہ ملاحظہ فرمائند

۱۵۲

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبھی

للّٰه الحمد توفیقش رسیدہ و تأییدش اظہر از نور در ہر حین نیر عنایتش در ظہور فضلش را قلم احصا ننماید و جودش را مداد از عہدہ ذکر برنیاید ہر بصیری بر عظمتش مقرّ و ہر سمعی بسطانتش معترف لہ الحمد و العطاء و لہ الذکر و الثناء لسان اولیائش را در یک مقام ناصر امرش فرمود و از آن جاری نمود آنچه را کہ سبب اهتزاز عظم رمیم گشت حکم لسان اعظم از حکم سیف است و بیان اقدر از جنود و صفوف امکان امروز اولیای حقّ جلّ جلالہ در معالجہ امراض حادثہ و در تربیت عباد جازم باندازہ و مقدار اطفال عالم را روزی دهند و قسمت بخشند کلمہ در رتبہ اولیہ کوثر حیاست از برای مردگان عالم و ید اقتدار است از برای نجات امم بیک کلمہ علیا انسان را از ظلمت اوہام بنور ایقان کشاند و از بئر عمیق بقصر مشید رساند اسألہ تعالیٰ ان یحفظ اولیائہ بجنود القوۃ والقدرة و ینصرہم بسیوف الحکمة و البیان انہ ہو المقتدر العزیز المنان

سبحانک یا من فی قبضتک زمام الکائنات و ازمۃ الممکنات اسألک بآیاتک الکبریٰ و اللّٰکی المکنونۃ فی خزائن قلمک الأبھی بأن تجعل من ارادک طائراً فی ہواء قریک و ناظراً الی افقک و ناطقاً بالحکمة و البیان بین خلقک ثم اظہر لہ یا الہی البحور الّتی کانت مستورۃ فی آیاتک و مکنونۃ فی کلماتک لیأخذہ سکر رحیق العرفان و ینطقہ بما تنجذب بہ افئدۃ اهل الأدیان انک انت العزیز الوہّاب

ان الخادم کان جالساً فی ایام الصّیام و متفکراً فی اسرار امر ربّہ العزیز العلام ورد احد من الأحبّاء بکتابکم اخذت منه و فتحته اذاً وجدت ما تضوّع بہ البیت و ما حوله لأنّہ کان مزیناً بذکر مقصودنا و مقصودکم و شربت من کؤوس بیانکم فرات خلوصکم و خضوعکم و توجّہکم الی اللہ و بعد استغراقی فی بحر عنایۃ ربّی قصدت مشرق الأسرار و مطلع الآثار الی ان حضرت و عرضت ما جرى من قلمکم فی ذکر ربّکم نطق لسان الکبریّاء بما انجذبت بہ حقایق الأشیاء قال و قوله الحقّ

هو الشّاهد الخبیر

یا ایّہا المذكور لدى الوجه اسمع النداء من الأفق الأعلى انّہ یسقیک کوثر العطاء من ید عنایۃ ربّک مالک الرقاب انّہ یشہد و یری و هو العزیز البصّار لا یعزب عن علمہ من شیء یعلم ما کان مستوراً فی الأفئدۃ و القلوب و یری ما کان مکنوناً فی خزائن صدور الأبرار کنت ماشياً فی البیت و ناطقاً بآیات ربّک دخل العبد الحاضر و عرض لدى الوجه ما نطق بہ لسان فؤادک فی امر اللّٰه مولیٰ الأنام سمعناہ و اجبتناک بهذا الكتاب الّذی جعلہ اللہ بحر الکرّم للعالم و کوثر الحیاة للأموات لعمری لو یلقى علی الأحجار تنفجر منها الأنهار اذا شربت فرات العرفان من کأس البیان قل

لک الحمد یا من فی قبضتک زمام الامکان بما شرقتنی بذکرک و زینتنی بطراز قلمک الأعلى الّذی منه ظهرت الأسرار فی المبدأ و المآب ای ربّ ترانی سائراً فی مملکتک لاعلاء کلمتک و ناطقاً بین عبادک بما امرتني بہ فی کتابک اسألک بأمواج عمّان فضلک و بالسراج الّذی حفظتہ من اریاح عاصفات برجاجة قوتک و قدرتک بأن تقدّر لی ما یجعلنی قویاً بقوتک و مقتدرّاً بارادتک لألقی علی عبادک بالحکمة و البیان ما یقرّبہم الیک و یقدّسہم من شبہات اهل ارضک و اشارات الّذین کفروا بنعمتک ثم ایدنی یا محبوبی علی ما تنجذب بہ افئدۃ خلقک انک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام الأرض و السّماء ای ربّ لا تمنع عبدک هذا من فیوضات ایامک و لا تجعلہ محروماً من نفحات وحیک و الهامک ای ربّ ایدنی

بجودک و قو ارکانی لأضع ارادتی آخذاً ارادتک و لا اتحرک الّا بمشیتک ثم اکتب لی برحمتک الّتی سبقت الکائنات ما تقرّ به عینی و عیون عبادک و یطمئنّ نفسی و انفس من فی بلادک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الحکیم

بلسان پارسی بشنو از حقّ میطلبیم ترا تأیید فرماید بر آنچه سبب ارتفاع کلمه اوست یا ایّها الناظر الی الوجه آفتاب عنایت حقّ از افق فضل مشرق و بحر علم الهی امام وجه موج از حقّ بطلب عباد خود را از انوار نیر عدل و انصاف محروم نفرماید چه هر نفسی بان فایز شود از ما سوی الله منقطع گردد و بقلب و جان بافق رحمن توجه کند جناب سید مصطفی علیه بهائی وحاجی سید مهدی علیه بهائی و سایر دوستان را از قبل مظلوم ذکر نما و آیات و عنایات الهی متذکر دار انشاءالله مؤید شوند و در این دار فانی و مقام فانی کسب مقامات باقیه نمایند جناب فرج علیه بهائی را از قبل مظلوم تکبیر و سلام برسان از حقّ میطلبیم او را تأیید فرماید علی ما یحبّ و یرضی و مزین دارد آنچه سزاوار ایّام است آنه هو السّمع المجیب و هو الغفور الرّحیم انتهى له الفضل و العطاء و له العنایة و البهّاء در هر حین نیر عنایتش بتجلی مبین ظاهر بیرهان ثابت شد و بدلیل مبرهن گشت آنه لا یذکر بذکر دونه و لا یعرف بعرفان غیره ولکن از برای دوستان خرگاه وسیعی معین فرموده و آن اقرار بعجز و انکسار است عند ظهورات عظمته و قدرته و سلطانه و این عجز را محض فضل پذیرفته و قبول فرموده له الحمد و الشّکر علی نعمه و الطّافه

مکرّر ذکر آن حضرت در انجمن اولیا بوده و هست و همچنین در پیشگاه حضور از حقّ جلّ جلاله سائل و آملم ریح عظیم بتجّار معارفش عطا فرماید اهل ارض الی حین آگاه نشده‌اند و از اثمار سدره اصلاح و اتّفاق و اتّحاد بیخبرند نمایند از کجا آمده‌اند و برای چه آمده‌اند لعمر محبوبنا و محبوبکم اگر بمقدار سمّ الخیاط آگاه شوند کل بگذرند و اخذ نمایند بگذرند یعنی از ما سوی الله و اخذ نمایند خدمت و رضایش را تشنگان را فرات رحمت بشارت میهد و جاهلان را نقطه علم دعوت مینماید و بیخبران را عنایتش آگاهی میبخشد امروز روز فضل اکبر است چه که منظر اکبر بانوار مالک قدر منور طوبی از برای نفسی که حوادث عالم او را مکدرّ نسازد و وضوای امم او را از اراده بازدارد یوم یومی است که در کتب قبل و بعد ذکرش از قلم جاری و مسطور طوبی لمن اقبل و شرب و فاز و ویل للغافلین و ویل للمعرضین اولیای الهی در هر جا و هر محل که هستند در ساحت اقدس مذکورند این فانی هر یک را بلاکی اذکار بدیعۀ منیعۀ ذکر نموده و مینماید و از حقّ جلّ جلاله میطلبد کل را بطراز امتیاز مزین دارد الهی الهی هیاکل دوستان را از این خلعت محروم منما هیکل از تو طراز از تو بحر کرم و عطا از تو مقدرّ فرما آنچه را که سزاوار بخشش تو است انک انت الفضّال الکریم و ارحم الرّاحمین

برادر مکرمّ حاجی فرج‌الله علیه بهاء الله را تکبیر و سلام میرسانم و از حقّ جلّ جلاله از برای او توفیق میطلبم که در هر مقام و هر محل و هر بلد و هر دیار بخدمت امر مذکور باشند و بعنایتش فایز ذکر بشیر فرموده بودند لله الحمد سالمست و گاهی هم بذکر آن حضرت ذاکر قدرت حقّ بسیار است از تراب تیره هزار گونه فواکه و اثمار و ازهارهای لطیفه منیعۀ ملوّنه ظاهر فرموده شاید از بشیر هم بشارتی ظاهر فرماید یعنی بخدمتی فایز شود ان ربّنا هو المقتدر القدير البهّاء و الذّکر و الشّاء علی حضرتکم و علی من معکم و یسمع قولکم فی امر الله ربّنا و ربّکم و ربّ العرش العظیم و الکرسی الرّقیع

خادم

فی ۹ شوال سنة ۱۳۰۵

[یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر